

الغیبی یاسمن

خزاقبانے

www.ketab.ir

ترجمہ

رضا کریمے

سرشناسه :
 عنوان قراردادی :
 عنوان و نام پدیدآور :
 مشخصات نشر :
 مشخصات ظاهری :
 شابک :
 وضعیت فهرست نویسی :
 یادداشت :
 یادداشت :
 متفاوت ترجمه و منتشر شده است.
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 شناسه افزوده :
 رده بندی کنگره :
 رده بندی دیویی :
 شماره کتابشناسی ملی :

قبانی، نزار، ۱۹۲۳ - ۱۹۹۸ م. Qabbani, Nizar
 : ابجدیه الیاسمین. فارسی
 : الفبای یاسمن/ نزار قبانی: ترجمه رضا کریمی.
 : بیرجند: انتشارات رزقی، ۱۴۰۰.
 : ۳۸۰ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۱۳۸-۸-۸
 : فیما
 فارسی - عربی.
 کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط مترجمان و ناشران
 متفاوت ترجمه و منتشر شده است.
 شعر عربی -- قرن ۲۰ م. -- ترجمه شده به فارسی
 ۲۰th century -- Translations into Persian -- Arabic poetry
 شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از عربی
 ۲۰th century -- Translations from Arabic -- Persian poetry
 کریمی طاقانکی، رضا، ۱۳۶۸-، مترجم
 PJA۴۸۸۸ :
 ۸۹۲/۷۱۶ :
 ۸۴۳۸۵۲۱ :



نام کتاب : الفبای یاسمن
 نام نویسنده : نزار قبانی
 نام مترجم : رضا کریمی طاقانکی
 ناشر : انتشارات رزقی
 شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
 نوبت چاپ : زمستان ۱۴۰۰ - اول
 لیتوگرافی : چاپ ارشدان
 طراح جلد و صفحه آرا : مرضیه فدایی پور
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۱۳۸-۸-۸

استان خراسان جنوبی - بیرجند - خیابان مدرس - مدرس ۲ - موسسه بین الملل خوارزمی
 انتشارات رزقی

تلفن : ۳۲۲۲۲۲۲۱ - ۳۲۲۲۲۲۲۵

kharazmi_bookstore

« حق چاپ برای ناشر محفوظ است »



- ۱۶ وطن گرداگرد تخت من!
- ۲۵ سخن از سخن خسته شده است
- ۴۷ در عشق تطبیقی...
- ۸۱ نامه‌ای نو... از دوستی دیرین...
- به عربیت در تاریکی از پشت خنجر زده اند...
- ۱۰۳ اینان یهودیان یهودند
- ۱۴۷ بستم را به زنان اجاره می‌دهم!
- من همان غزل عاشقانه‌ای هستم که
- ۱۵۹ عرب‌ها را از اسپانیا بیرون راند!!!
- ۱۸۷ عاشقی در کنار آتش هیزم
- ۲۱۹ وقف کردن
- ۲۵۱ اگر...
- ۲۶۳ درباره تمدن پساژنانه
- ۲۸۹ بی تو
- ۳۱۱ مربع‌ها
- ۳۳۷ واپسین قصیده ... بدون عنوان
- ۳۴۹ یادداشت‌های پنجره‌ای دمشقی
- ۳۷۱ نزار قبانی

در ارزش شعر نزار همین بس که شعر را همه فهم کرد. نزار را خیلی‌ها دوست داشتند و می‌دارند، این را حاضران در شب شعرهایش می‌گویند.

نزار قبانی در سال ۱۹۲۳ میلادی در خانواده دمشق باصالتی زاده شد. مشهور است که پدر بزرگش، ابوخلیل القبانی، از پیشروان نمایشنامه عربی بوده. نزار در سال ۱۹۴۴ از دانشگاه ملی سوریه دانش‌آموخته شد و بلافاصله به مسلک دیپلماسی درآمد. سال‌های متمادی در شهرهایی چون پکن، بیروت و مادرید به عنوان دیپلمات در سفارت کشورش کار کرد؛ تا اینکه رسماً در سال ۱۹۶۶ استعفا داد. از نزار مجموعه‌های عاشقانه و دلبرانه زیادی به بازار نشر آمده است. «طفولة النهد» و «الرسم بالكلمات» از آن جمله است. در سال ۱۹۶۷ جهان عرب متحمل شکستی سنگین از اسرائیل شدند. این شکست به قدری تأثیرگذار بود که از آن تحت عنوان «النكسة» یاد می‌شود. موج النكسة نزار قبانی را نیز با خود از بهشت برین اشعار عاشقانه به جهنم سیاست برد. از این پس دیگر نمی‌شد از نزار قبانی با عنوان «شاعر الحب و المرأة» یاد کرد. وی رسماً پا به ادبیات سیاسی گذاشته بود. پس از شکست ۱۹۶۷ قاصیده‌ای با عنوان «هوامش علی دفتر النكسة» سرود که سرزمین‌های عربی را درنوردید. کوبندگی این اثر آن قدر بود که رسانه‌های محافظه‌کار عربی را بر آن داشت که اشعارش، چهره‌اش و صدایش را سانسور کنند. نزار ممنوع تصویر شد. اوج اشعار سیاسی‌اش را در قالب قصیده

«متی یعلنون وفاة العرب» چکاند.

نزار قبانی در زندگی شخصی‌اش تراژدی‌های بسیاری پشت سر نهاد. خواهرش در سال ۱۹۳۸ خودکشی کرد. پسر نوجوانش چند سال بعد بر اثر بیماری قلبی درگذشت و تیر خلاص را کشته شدن همسر و معشوقه‌اش، بالقیس، به قلبش چکاند. در سال ۱۹۸۱ در جریان یک حمله انتحاری به سفارت عراق در بیروت، بالقیس که آن روزها آنجا کار می‌کرد، کشته شد. نزار واپسین سال‌های عمرش را در لندن اقامت داشت. سرانجام در سال ۱۹۹۸ دیده از جهان فروبست و در زادگاهش، دمشق، به خاک سپرده شد.

اما ویژگی بارز این اثر این است که پس از کوچ نزار به سرای باقی‌مانده حلب رسیده است. برخی از اشعار آن را در بستر بیماری و در واپسین روزهای زندگی‌اش سروده که بیانگر آخرین دیدگاه‌های اوست.

از نخستین روزی که در اوایل سال ۱۳۹۲ در نمایشگاه کتاب تهران، کتاب «ابجدیة الیاسمین» را از دستان آن پیرمرد خوش‌خنده بیروتنی گرفتم چند سال می‌گذرد. با هم جلوی غرفه او چند بیتی خواندیم و لبخند زنان سر تکان دادیم. پس از برگرداندن این اثر به فارسی چهار بار در آن تجدید نظر کردم، واژه‌ها را پس‌وپیش کردم، خط زدم، دوباره نوشتم و بالاخره در اواخر سال ۹۳ دست به

دامن استاد، یدالله ملایری، شدم. دوتایی حسابی این ترجمه را به قول خودش چکش کاری کردیم. اما دست روزگار چیز دیگری نوشته بود و فرصت پرداختن بیشتر به آن فراهم نشد. هرگز فرصت نشد آن طور که شایسته است از یدالله ملایری، مترجم چیره دست آثاری چون «فغان شرق» و «پایان ها» اثر عبدالرحمن منیف، برای نظرات دقیقش سپاسگزاری کنم. این وقفه چند سال طول کشید و دوباره سال ۹۹ پس از آنکه با دوستان محترم نشر رزقی صحبت های اولیه انجام شد، تصمیم گرفتم برای بار پنجم نگاهی به این ترجمه بیاندازم.

در برگردان این اثر تلاش نمودیم واژگان، اسلوب ها و جمله ها را در سطحی همسان با شعر او برگزینیم. آن چنان دل بستگی به برگردان تحت اللفظی نداشته ایم. واحد ترجمه را تا سطح جمله و گاهی تا سطح گفتمان حاکم بر آن قطعه شعر بالا آوردیم. همه کوششمان این بود که تا آنجا که می شود تأثیری شبیه به تأثیر زبان عربی در مخاطبان فارسی زبانان بیافرینیم. از همین روی بود که با عزیزان فرهیخته انتشارات رزقی که از تلاش های آنان برای چاپ این اثر سپاسگزارم تصمیم گرفتیم مقابل هر قطعه شعر فارسی معادل عربی اش را با همان فونت عربی کتاب جای دهیم.

در واپسین بازنگری خود در این ترجمه بایسته است مراتب سپاسگزاری ام را از دوستان و اساتیدی به عمل آورم

که زحمت کشیده، منت بر ما نهند و پذیرفتند بخشی از وقت گرانبهایشان را صرف خواندن ترجمه و ارائه نظرات راهگشایشان کنند. از دوست و استاد نازنینم، آقای دکتر محمدرضا عزیزی، عضو محترم هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه بیرجند، و همین‌طور همکار و دوست محترم آقای دکتر جعفر عباسی کمال تشکر و قدردانی را دارم.

سپاسگزار ویژه‌ام برای همکار، مترجم و مدرس چیره دست، سرکار خانم مریم مهدیزاده است که علیرغم مشغله‌های بسیار پذیرفتند متن فارسی را خوانده و نظراتشان را برایم مرقوم کنند. نقدهای استادانه ایشان آنقدر راهگشا بود که احساس می‌کردم در هر جرح و تعدیلی نکته‌ای جدید می‌آموزم.

از مدیر جوان انتشارات رزقی، جناب آقای سروش رزقی و کلیه همکاران خوش فکر ایشان در این مجموعه کمال تشکر و قدردانی را دارم و از برپایی ایشان در به انجام رسیدن این اثر سپاسگزارم.

با اینکه چندین بار برای به کمال رساندن این ترجمه هرچه در توان داشتم به کار گرفتم، و لی باز هم این اثر خالی از اشکال نیست. امید است منتقدان ما را با دیدگاه‌های ارزشمندشان راهنمایی کنند.

رضا کریمی طاقانکی - بهار ۱۴۰۰